

بررسی حقوق زنان در سوره نساء با تأکید بر نظریات علامه

طباطبایی رحمۃ اللہ علیہ در تفسیر المیزان

نازیه بتول^۱

چکیده

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و باهدف بررسی حقوق زنان در سوره نساء با تأکید بر تفسیر علامه طباطبایی رحمۃ اللہ علیہ در تفسیر المیزان تدوین شده است و تلاش دارد جایگاه زنان در نظام حقوقی اسلام و نقش آنها در خانواده و جامعه را براساس مفاهیم قرآنی تحلیل کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حقوق زنان در سوره نساء برپایه عدالت و کرامت انسانی تنظیم شده و با در نظر گرفتن مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی آنها حقوق و تکالیف به صورت متوازن ارائه شده است. تفسیر علامه طباطبایی تأکید دارد که این حقوق نه تنها برای حفظ کرامت انسانی زنان است، بلکه به تقویت بنیان خانواده و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی نیز کمک می‌کند. یافته‌ها حاکی از نگاه جامع و انسان‌محور نظام حقوقی اسلام به جایگاه زنان است که رعایت آنها ضامن استحکام خانواده و سلامت جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، سوره نساء، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

حقوق زنان، یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در جوامع مختلف است. در اسلام به ویژه در قرآن، تأکید فراوانی بر حقوق و کرامت زنان شده است. سوره نساء یکی از سوره های کلیدی قرآن است که حقوق زنان را در ابعاد مختلف بررسی و تبیین می کند. این سوره با آیات خود نه تنها به حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان اشاره می کند، بلکه بر اهمیت عدالت و انصاف در روابط خانوادگی نیز تأکید دارد. علامه طباطبایی، یکی از بزرگ ترین مفسران قرآن در تاریخ معاصر در تفسیر المیزان به تبیین عمیق تری از آیات سوره نساء پرداخته و با تحلیل های فلسفی و اجتماعی خود ابعاد مختلف حقوق زنان را بررسی کرده است. او با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن تلاش می کند تا مفاهیم عمیق تری از آیات را استخراج کند و نشان دهد که اسلام چگونه به دنبال ایجاد تعادل و انصاف در روابط انسانی است. مقاله حاضر، حقوق زنان را در سوره نساء با تأکید بر نظرات علامه طباطبایی بررسی می کند. هدف پژوهش حاضر این است که نشان دهد چگونه این سوره و تفسیر آن می تواند به فهم بهتر حقوق زنان در اسلام کمک کرده و نقش مثبت آنها را در جامعه اسلامی تبیین کند.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. حق در لغت و در اصطلاح

حق در لغت به معنای مطابقت و موافقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۶) و وقوع شیء در محل خویش است (طریحی، ۱۳۷۵، ۵/۱۴۸). در اصطلاح فقه، نوعی سلطنت است که گاهی متعلق آن عین است مانند تحجیر و حق رهن و گاهی غیر آن مانند حق خیار که متعلق آن عقد است (جابر عربلو، ۱۳۶۲، ص ۵۴۰). حقوق، جمع حق است که در معانی مختلفی مانند خلاف باطل، ثابت، عدل و داد، طلب قانونی (جوهری، ۱۴۰۷، ۴/۱۴۶۰) نصیب، بهره، حقیقت، سزاوار و آنچه شخص به حکم طبیعت، عرف، شرع یا قانون، اختیار آن را دارد، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۶/۸۰۲۸).

در اصطلاح، مجموع قواعدی است که بر اشخاص از آن رو که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند. حقوق به این معنا، همیشه با ترکیب جمع به کار می‌رود و برای نشان دادن مجموع نظام‌ها و قوانین است مانند حقوق ایران، حقوق بین‌الملل، حقوق مدنی و حقوق اسلام. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۳) حقوق به معنای علم حقوق نیز به کار می‌رود؛ یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۴). علم حقوق در بنیادی‌ترین تقسیم خود از دو نظر واز دوزاویه نگرش تقسیم شده است: یکی از نظر موضوع و دیگر از نظر قلمرو. از نظر موضوعی، علم حقوق به دو شاخه حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می‌شود و از نظر قلمرو به دو شاخه حقوق ملی (داخلی) و حقوق بین‌المللی (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳). این تقسیم از یک نظر بسیار نارساست؛ زیرا نه تنها رشته‌های حقوقی سایر علوم اجتماعی را دربر نمی‌گیرد، بلکه از نظر رشته‌های اصلی علم حقوق نیز کامل نیست و بخشی از رشته‌ها را می‌توان به اعتباری ذیل حقوق عمومی قرار داد و به اعتبار دیگر، ذیل حقوق خصوصی (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

تعریف حقوق زنان در هیچ کتب مصطلحاتی بیان نشده است. کاتوزیان در کتاب خود می‌نویسد: «برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هرکس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را حق می‌نامند و به آن، حقوق فردی نیز گفته می‌شود مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل، حق زوجیت» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۳). بنابراین، حقوق زنان به معنای امتیازهای اختصاصی است که برای زنان در جامعه در نظر گرفته شده و دیگران حق تجاوز به آنها را ندارند. این حقوق شامل حق تحصیل، حق اشتغال، حق مالکیت، حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و حقوق مرتبط با نقش‌های خانوادگی مانند حق زوجیت و حق مادر بودن است.

علامه طباطبایی در مورد حق می‌فرماید: «کلمه حق در مقابل باطل به معنای امر ثابتی است که در خارج واقع شده است. حق در عالم تکوین مانند زمین و انسان است که خداوند متعال آنها را در عالم هستی حق قرار داده و در عالم تشریع عبارت است از هر امری که در حد نفس خودش ثابت

باشد که از جمله آنها حقوق مالی و سایر حقوق اجتماعی است. ازاین رو که در نظر اجتماع امری ثابت است. قرآن هر امری را حق نمی داند مگر آنچه را که خدا حق دانسته و در عالم ایجاد یا تشریع آن را ثابت کرده است. بنابراین، حق در عالم تشریع یا در اجتماع دینی آن چیزی است که خدا آن را حق قرار داده است مانند حقوق مالی، حقوق زنان یا حقوق والدین بر فرزند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۲۲۵/۱). بنابراین، امور اجتماعی به طور تکوینی حق نیستند، بلکه حق براساس تعیین خداوند مشخص می شود و مخالف آن، باطل است. مانند مالی که از نظر تکوین ممکن است به انسان خاصی تعلق گیرد، اما خداوند آن را به فرد دیگری می دهد، همچون امام در قالب خمس یا همسر در قالب نفقه یا مهریه. قرار گرفتن این مال در جایی که خدا مقرر کرده، حق است و آوردن آن در جای دیگری، از نظر تشریع باطل می باشد.

۳. حقوق زنان در سوره نساء

در سوره نساء حقوق متعددی برای زنان تثبیت شده است که به وضوح به تأمین و حفظ حقوق اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آنها اشاره دارد. مقاله حاضر به موارد زیر می پردازد:

جدول ۱. حقوق زنان در سوره مبارکه نساء

آیات	ترجمه	نظر علامه (تفسیر آیات)	نکات قابل استفاده	کد
۱	للرجال نصيب مما ترك الوالدان والأقربون وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والأقربون مما قل منه أو كثر نصيبا مفروضا (نساء: ۷)	برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می گذارند سهمی است و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب.	نظر علامه طباطبایی این است که اسلام حقوق زنان و مردان را در ارث به صراحت و با شفافیت مشخص کرده است. این موضوع با تأکید بر عدالت اجتماعی بر رفع هرگونه شبهه یا تأویل نادرست دلالت دارد. از نگاه علامه، این قاعده عام و مطلق است و برای همه افراد از زنان و مردان و در همه شرایط صدق می کند.	۱، ۱

	یو صیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین. (نساء: ۱۱)	حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند.	این جمله به بطلان سنت جاهلی که زنان را از ارث محروم می کرد، اشاره دارد. قرآن با بیان سهم زنان، این رسم را رد کرده و زنان را در نظام ارث وارد کرده است. قرآن ارث زنان را اصل تشریع قرار داده و ارث مردان را براساس آن تبیین کرده است. به گونه ای که سهم مردان وابسته به محاسبه سهم زنان است. بیان «للذکر مثل حظ الانثیین» به جای «للاثی نصف الذکر» برای دقت بیشتر و شمول معنایی است. این عبارت هم زمان سهم مرد و زن را در شرایط مختلف به وضوح مشخص می کند.	۱،۲	اصل تشریع بودن ارث زنان در قرآن
۲	وأتوا النساء صدقاتهن نحلة فإن طبن لكم عن شيء منه نفسا فكلوه هنيئا مریئا. (نساء: ۴)	و مهریه زنان را به عنوان هدیه ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشم داشت و منت گذاری] به خودشان بدهید و اگر چیزی از آن را با میل و رضایت خود به شما ببخشند آن را حلال و گوارا بخورید.	نظر علامه طباطبائی در مورد مهریه این است که اسلام، دادن مهریه به زنان را ابداع نکرده، بلکه این یک سنت متداول و پذیرفته شده در جوامع بشری بوده است. ایشان می فرماید: «اختصاص مالی به زنان در ازای ازدواج از دیرباز وجود داشته و نوعی معامله تلقی می شده است. به عبارت دیگر، مهریه در نگاه سنتی، عوضی برای ارزش عصمت و تعهد زناشویی زنان بوده است. به گفته اسلام، این سنت متداول را امضا کرده و آن را بخشی از نظام حقوقی خود ساخته است. این نشان دهنده سازگاری اسلام با عرف های مفید و عادلانه ای است که در جوامع پیشین وجود داشته اند.	۲،۱	حق مهریه

۳	الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم. (نساء: ۳۴)	مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند؛ زیرا خدا برخی را بر برخی برتری داده و چون مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند.	۳/۱ حق نفقه	قوامیت مردان در نظر علامه طباطبایی، مسئولیتی مبتنی بر عدالت و تعهد است که از تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های اجتماعی ناشی می‌شود. این قوامیت نه به معنای برتری ذاتی مردان، بلکه به معنای تعهد بیشتر آنها در حوزه‌های خاص مانند تأمین مالی و مدیریت امور خانوادگی است. همچنین این مسئولیت نباید به گونه‌ای تفسیر شود که موجب نقض استقلال یا حقوق فردی و اجتماعی زنان شود.
۴	یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم أن ترثوا النساء کرها ولا تعضوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن إلا أن یأتین بفاحشة مبینة وعاشروهن بالمعروف فإن کرهتموهن فعسی أن تکرهوا شیئا ویجعل الله فیه خیرا کثیرا. (نساء: ۱۹)	ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه، ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.	۴/۱ حق حسن معاشرت	«و عاشروهن بالمعروف» هسته اصلی آموزه اخلاقی این آیه است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «معروف در اینجا به معنای رفتار مطابق با اصول انسانی، اخلاقی و شریعت است. حتی اگر مردان از همسران خود ناراضی باشند، قرآن توصیه به صبر و مدارا می‌کند. علامه این توصیه را نشانه‌ای از تأکید اسلام بر حفظ بنیاد خانواده و جلوگیری از تصمیمات عجولانه و مبتنی بر احساسات می‌داند: «عسی أن تکرهوا شیئا ویجعل الله فیه خیرا کثیرا» به مؤمنان یادآوری می‌کند که ممکن است در نارضایتی‌های ظاهری، برکات و خیرات الهی نهفته باشد. علامه این نکته را به معنای لزوم اعتماد به حکمت خداوند و پرهیز از تصمیمات زود هنگام تفسیر می‌کند.

۵	و لا تاتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن و اسلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما. (نساء: ۳۲)	آرزو مکنید آن چیزهایی را که بدانها خدا برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است. مردان را از آنچه کنند نصیبی است و زنان را از آنچه کنند نصیبی. و روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است.	علامه می‌فرماید که در این آیه، تعبیر «مما اکتسبوا» و «مما اکتسبن» بر این نکته دلالت دارد که آنچه انسان از مرد یا زن به‌دست می‌آورد نتیجه تلاش‌ها، موقعیت‌ها یا شرایط اختصاصی اوست، چه از راه اعمال اختیاری و چه از راه ویژگی‌های طبیعی یا اجتماعی که خداوند مقرر کرده است اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی به‌دست می‌آورد خاص خود اوست.	حق استقلال مالی	۵/۱
۶	ولن تستطیعوا أن تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتدروها کالمعلقة وإن تصلحوا وتتقوا فإن الله کان عفورا رحیما. (نساء: ۱۲۹)	و شما هرچند حریص [بر عدالت] باشید، هرگز نمی‌توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زن‌هایی که در عقد خود دارید عدالت ورزید، پس تمایل خود را به‌طور کامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به‌صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید و اگر توافق و سازش نمایید و تقوا را [در محیط خانواده] رعایت کنید [مورد آموزش قرار می‌گیرید]؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.	این آیه بر واقع‌نگری در مسائل مربوط به روابط زناشویی تأکید دارد. اگرچه عدالت مطلق میان همسران ممکن نیست، اما رعایت عدالت رفتاری و حقوق واجب، شرط اصلی در تعدد زوجات است و یکی از حقوق زنان حق بیتوته است. این آیه علاوه بر تبیین محدودیت‌های انسانی، راهکاری برای بهبود روابط زناشویی و تأمین آرامش خانواده ارائه می‌دهد و مردان را به تقوا و اصلاح فرامی‌خواند.	حق بیتوته	۶/۱

۳-۱. حق ارث

حق ارث در اسلام، یکی از احکام مهم اجتماعی و حقوقی است که به صورت روشن و صریح در آیات قرآن بیان شده است. آیات ۷، ۱۱ و ۱۲ سوره نساء به حق ارث زنان اشاره دارد و تصریح می‌کند که زنان نیز از اموال متوفی ارث می‌برند. این حق به زنان اجازه می‌دهد تا از نظر مالی مستقل باشند و از دارایی‌های خود بهره‌مند شوند. خداوند می‌فرماید: «لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می‌گذارند سهمی است و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جا می‌گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب» (نساء: ۷).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با تحلیل آیات ارث به قاعده‌ای کلی اشاره می‌کند که براساس آن، تمام خویشاوندان از جمله زنان به دلیل نزدیکی نسبی، سهمی قطعی و مشخص از اموال متوفی دارند. وی با بررسی واژه‌های نصیب به معنای سهم معین و فرض به معنای وجوب و قطعیت تأکید می‌کند که تقسیم ارث براساس قواعد قرآنی الزامی و محروم کردن زنان از آن خلاف عدالت الهی است. استفاده از واژه «اقربون» نزدیکی خویشاوندی را معیار اصلی برای اولویت در ارث معرفی کرده و تأکید دارد که این نظام با سنت‌های جاهلی که زنان و کودکان را از ارث محروم می‌کرد تفاوتی بنیادین دارد. این اصلاح نه تنها حقوق فردی زنان را تضمین می‌کند، بلکه عدالت اجتماعی را تقویت کرده و از بی‌عدالتی در توزیع اموال جلوگیری می‌کند. علامه معتقد است که حق ارث زنان در قرآن علاوه بر جنبه حقوقی، پیامی اخلاقی دارد که هدف آن حذف تبعیض‌ها و ایجاد تعادل میان تمام اعضای خانواده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۱۳/۴)

۳-۲. حق مهریه

یکی از حقوق مالی که اسلام برای زنان در نظر گرفته، مهریه است. مهریه هدیه‌ای است که مرد در قالب نشانه‌ای از صداقت و تعهد در هنگام ازدواج به همسر خود تقدیم می‌کند. این حق

مالی، برخلاف برخی رسوم جاهلی که زنان را از ارث و مالکیت دارایی محروم می‌کرد در اسلام به رسمیت شناخته شده و در آیات قرآن نیز به آن تصریح شده است. قرآن کریم در چندین آیه از جمله در آیه ۴ سوره نساء بر لزوم پرداخت مهریه به زنان تأکید کرده و آن را «صدقاتهن نحله» یعنی، مهریه در قالب بخششی خالص نامیده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَهُ فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا؛ و مهریه زنان را به عنوان هدیه‌ای الهی با میل و رغبت [و بدون منت‌گذاری] به خودشان بدهید و اگر چیزی از آن را با میل و رضایت خود به شما ببخشند آن را حلال و گوارا بخورید» (نساء: ۴).

آیه ۴ سوره نساء به موضوع مهریه اشاره دارد و تأکید می‌کند که مردان موظف به پرداخت مهریه به همسران خود هستند؛ این مهریه، حق مسلم زنان است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَهُ» به وجوب پرداخت مهریه به زنان پرداخته و آن را سنتی اجتماعی می‌داند که اسلام آن را امضا کرده است و نه اینکه به عنوان یک حکم تأسیسی مورد تأکید قرار می‌دهد. وی توضیح می‌دهد که مهریه از دیرباز در جوامع بشری، عطیه‌ای مالی برای زنان در ازدواج پذیرفته شده بود. کلمه «صدقات» به معنای مهریه‌ای است که به زنان تقدیم می‌شود و استفاده از کلمه «نحله» به معنای عطیه‌ای رایگان و بی‌قید و شرط، نشان‌دهنده این است که مهریه هدیه‌ای است که مرد به زن می‌دهد نه بهای یک معامله یا قراردادی اقتصادی. علامه طباطبائی بر این نکته تأکید دارد که پرداخت مهریه به زن نشان‌دهنده احترام به کرامت و حق مالکیت او بر این عطیه است. براساس این آیه، مهریه به طور کامل متعلق به زن است و شوهر تنها در صورتی می‌تواند از آن استفاده کند که زن با طیب نفس و رضایت کامل اجازه دهد. اسلام برخلاف فرهنگ‌های ناعادلانه‌ای که ممکن بود مهریه را به شکل ظالمانه از زن بازپس گیرند یا به اجبار به شوهر واگذار کنند حق زن را بر مهریه محفوظ داشته است. همچنین استفاده از عبارت «هنيئًا مريئًا» در آیه به حلال بودن و مشروعیت کامل استفاده از مهریه توسط شوهر تنها در صورت رضایت زن دلالت دارد. علامه به این نکته تأکید می‌کند که مهریه علاوه بر جنبه اقتصادی، ارزش اخلاقی و انسانی دارد و هدف آن تأمین استقلال مالی زن و احترام به

جایگاه او در ازدواج است. این تحلیل نشان می‌دهد که مهریه در اسلام نه تنها حقوق اقتصادی زن را تضمین می‌کند، بلکه بخشی از نظام عادلانه اسلامی است که از کرامت انسانی و عدالت در روابط خانوادگی حمایت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۹/۴)

۳-۳. حق نفقه

اسلام دینی جامع و عادل است که حقوق و تکالیف متقابل زن و مرد را در زندگی زناشویی به طور دقیق مشخص کرده است. یکی از مهمترین حقوق مالی زنان در اسلام نفقه است که شامل تأمین نیازهای اساسی زندگی مانند مسکن، خوراک، پوشاک و سایر هزینه‌های ضروری می‌شود. قرآن کریم به صراحت این مسئولیت را برعهده مرد گذاشته و آن را یکی از وظایف شرعی و اخلاقی او در قبال همسرش می‌داند. در آیه ۳۴ سوره نساء، مردان «قوامون علی النساء» معرفی شده‌اند که به معنای سرپرستی مسئولانه و تأمین‌کننده بودن آنها در امور مالی خانواده است: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض وبما أنفقوا من أموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن فإن أطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلاً إن الله کان علیا کبیراً؛ مردان بر زنان قیوموت و سرپرستی دارند؛ زیرا خدا برخی را بر برخی برتری داده و چون مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنها را می‌دهند» (نساء: ۳۴).

در سوره نساء، تأمین نفقه و هزینه‌های زندگی زن برعهده مرد قرار داده شده است. این حق شامل تأمین مسکن، پوشاک و سایر نیازهای مالی زن است آیه «الرجال قوامون علی النساء» در تفسیر علامه طباطبایی بر مسئولیت مالی مردان در قبال زنان تأکید دارد و این وظیفه را جزئی از مفهوم قوامیت می‌داند. علامه طباطبایی با استفاده از کلمه «قوام» که به معنای مسئولیت و سرپرستی است، اشاره می‌کند که این مسئولیت به طور مستقیم به تأمین معیشت زنان از راه انفاق مالی و نفقه ربط دارد. براساس تفسیر ایشان، مردان در مقام قوامیت بر زنان قرار دارند چون هم از نظر تفضیل الهی یعنی، توانمندی‌های جسمی و عقلانی بیشتر و هم از

نظر تأمین هزینه‌های مالی مانند مهریه و نفقه مسئولیت اداره خانواده را برعهده دارند. (طباطبائی، ۱۳۷۳، ۴/۵۴۰)

علامه طباطبائی نفقه را نه یک امتیاز، بلکه وظیفه‌ای الهی می‌داند که مردان باید آن را ادا کنند. این تأمین مالی نه فقط در رابطه با همسر، بلکه در مواردی مانند حفظ کرامت و تأمین معیشت در زندگی خانوادگی به‌طور عمومی برای زنان کاربرد دارد. نفقه، یکی از ارکان اساسی قوامیت مردان بوده و به زنان حق برخورداری از حمایت مالی برای تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک و مسکن را می‌دهد. بنابراین، نفقه جزئی از عدالت اجتماعی است که نه فقط پایه‌گذار روابط خانواده سالم و استوار است، بلکه مانند ابزاری برای تضمین حقوق زنان و رفع نابرابری‌های مالی در خانواده عمل می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۴/۵۴۱) این تحلیل به‌وضوح نشان می‌دهد که پرداخت نفقه و مهریه علاوه بر وظیفه مالی، بخشی از ساختار اخلاقی و اجتماعی اسلامی است که موجب حفظ تعادل در روابط خانوادگی و احترام به حقوق زنان می‌شود. قوامیت مردان در قبال زنان باتوجه به انفاق مالی نشان‌دهنده حمایت اجتماعی و اقتصادی از زنان است که به ارتقای جایگاه آنها در خانواده و جامعه می‌انجامد.

۳-۴. حق استقلال مالی

یکی از ویژگی‌های برجسته نظام حقوقی اسلام استقلال مالی زنان است. برخلاف بسیاری از جوامع گذشته که زنان را از مالکیت دارایی محروم می‌کردند اسلام به زنان حق تملک، کسب درآمد و تصرف در اموال شخصی را اعطا کرده است. در آیه ۳۲ سوره نساء به این اصل قرآنی تأکید شده است آنجا که خداوند می‌فرماید: «و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن واسألوا الله من فضله إن الله کان بکل شیء علیما؛ آرزو مکنید آن چیزهایی را که بدانها خدا برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است. مردان را از آنچه کنند، نصیبی است و زنان را از آنچه کنند نصیبی و روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است» (نساء: ۳۲).

سوره نساء به زنان حق می‌دهد تا در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی فعال باشند و از درآمد خود بهره‌مند شوند؛ این حق به زنان اجازه می‌دهد تا در جامعه نقش مؤثری ایفا کنند. تفسیر آیه «للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن» به روشنی بر حق استقلال مالی زنان تأکید دارد. راغب اصفهانی یادآور شده که کلمه «اكتساب» در به‌دست آوردن فایده‌ای استعمال می‌شود که انسان خودش از آن استفاده کند و معنای کلمه «کسب» از معنای اکتساب عمومی‌تر است و هم آن را شامل می‌شود و هم آنچه را که برای غیر به‌دست می‌آورد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۰) در این آیه، واژه «اكتساب» به معنای هرنوع تملک یا منفعتی است که فرد با عمل اختیاری یا حتی شرایط طبیعی به‌دست می‌آورد. علامه اشاره می‌کند که زنان و مردان هرکدام سهم مستقلی از آنچه به‌دست می‌آورند، دارند و این حق مالکیت مختص به آنهاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۳۴/۴).

این تفسیر بر این نکته تأکید دارد که زنان همانند مردان در نظام اسلامی حق دارند از درآمد و دستاوردهای مالی خود بهره‌مند شوند. این حق به زنان اجازه می‌دهد تا در اقتصاد خانواده و جامعه حضور فعال و برابر داشته باشند. علامه همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که این استقلال مالی، ارتباطی با وظایف و مسئولیت‌های دیگر مردان مانند تأمین نفقه ندارد؛ یعنی زنان مالک دستاوردهای مالی خود هستند و مردان حق تصرف در آن را ندارند مگر با رضایت زنان. این آیه و تفسیر آن نشان می‌دهد که اسلام برای زنان حق استقلال مالی را به رسمیت شناخته و این حق، بخشی از عدالت اجتماعی و حقوق فردی آنهاست. این رویکرد، جایگاه زن را در جامعه در قالب فردی مستقل و تأثیرگذار تثبیت می‌کند و نشان‌دهنده نگاه متمدنانه اسلام به حقوق اقتصادی زنان است.

۳-۵. حق حسن معاشرت

اسلام بر حسن معاشرت و رفتار نیکو با زنان تأکید ویژه دارد. در نظام خانوادگی اسلامی، مردان موظف هستند که با همسران خود با مهربانی، عدالت و احترام رفتار کنند. خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم أن ترثوا النساء کرها ولا تعضلوهن لتذهبن»

بعض ما آتیتموهن إلا أن یأتین بفاحشة مبینة وعاشروهن بالمعروف فإن کرهتموهن فعسی أن تکرهوا شیئا ویجعل الله فیه خیرا کثیرا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به‌اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به‌در] برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها به‌شایستگی رفتار کنید و اگر از آنها خوششان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد» (نساء: ۱۹).

آیه ۱۹ سوره نساء «وعاشروهن بالمعروف» به بیان اصول حسن معاشرت با زنان پرداخته است و بر اهمیت تعامل با زنان به‌گونه‌ای که براساس اصول اخلاقی، عدالت و احترام باشد، تأکید دارد. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، واژه معروف را به‌معنای رفتار متعارف و پذیرفته‌شده در جامعه مسلمانان می‌داند که شامل احترام، عدالت، حمایت و همکاری در زندگی خانوادگی و اجتماعی است. در این تفسیر، علامه طباطبائی تأکید می‌کند که این آیه نه‌تنها به لزوم احترام به زنان اشاره دارد، بلکه ظلم و تبعیض را رفتار غیرمعقول و ناپذیرفتنی در روابط میان زوجین و به‌ویژه در تعامل با زنان می‌داند و از آن نهی می‌کند. معروف به‌معنای رفتارهایی است که موجب حفظ کرامت زنان می‌شود و دربردارنده کمک به رشد و رفاه اجتماعی است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۰۴/۴) این آیه همچنین تأکید می‌کند که روابط میان مردان و زنان باید مبتنی بر همکاری، هم‌فکری و تعامل متعادل باشد تا هیچ‌کدام از طرفین احساس بی‌احترامی یا نابرابری نکند. ازاین‌رو، حسن معاشرت با زنان در اسلام نه‌تنها برای حفظ کرامت و حقوق فردی آنهاست، بلکه باعث تقویت بنیان خانواده و پیشرفت جامعه می‌شود.

۳-۶. حق بیتوته

یکی دیگر از حقوق زنان در زندگی زناشویی، حق بیتوته یا حق هم‌نشینی و همراهی شوهر است. این حق بر مسئولیت مرد در قبال تأمین آرامش روحی و روانی همسرش تأکید دارد. قرآن در آیات متعدد بر اهمیت مودت و رحمت در روابط زناشویی تأکید دارد از جمله در آیه ۱۲۹ سوره

نساء که می‌فرماید: «و لن تستطيعوا أن تعدلوا بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقة وإن تصلحوا وتتقوا فإن الله كان عفورا رحیما؛ و شما هر چند حریص [بر عدالت] باشید، هرگز نمی‌توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زن‌هایی که در عقد خود دارید، عدالت ورزید، پس تمایل خود را به‌طور کامل متوجه یک‌طرف ننمایید تا دیگری را به‌صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید و اگر توافق و سازش نمایید و تقوا را [در محیط خانواده] رعایت کنید [مورد آموزش قرار می‌گیرید]؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است».

حق بیتوته زنان که به معنای بهره‌مندی از حضور و توجه شوهر در زندگی مشترک است در تفسیر علامه طباطبایی از آیه «و لن تستطيعوا أن تعدلوا بين النساء ولو حرصتم» قابل استنباط است. علامه توضیح می‌دهد که عدالت کامل و واقعی به‌ویژه در علاقه قلبی میان زنان ممکن نیست؛ زیرا امری است خارج از اختیار انسان، اما آنچه از مردان خواسته شده رعایت عدالت عملی و رفتاری میان همسران است از جمله تقسیم عادلانه بیتوته و زمان خاص. ایشان تأکید می‌کند که مرد نباید به‌گونه‌ای رفتار کند که یکی از همسرانش را نادیده بگیرد یا او را به‌حال زنی معلق، «کالمعلقة» یعنی، بدون بهره‌مندی از حضور شوهر رها سازد. این عمل ناعادلانه با اصول اسلامی در تضاد است. عدالت در رفتار، مواردی مانند توزیع عادلانه زمان حضور مرد با همسران، فراهم کردن شرایط مناسب زندگی برای هر کدام و اجتناب از تبعیض در برخوردهای روزمره را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶۳/۵) این تفسیر نشان می‌دهد که حق بیتوته بخشی از تکالیف واجب مرد نسبت به همسرانش است و رعایت آن برای حفظ حقوق و کرامت زنان ضروری است. عدم رعایت این حق، زن را از حقوق مشروع خود محروم کرده و باعث تزلزل در نظام خانواده می‌شود. بنابراین، از دیدگاه علامه طباطبایی، رعایت عدالت تقریبی در امور عملی از جمله بیتوته، وظیفه‌ای الهی و اخلاقی است که برعهده مردان قرار گرفته و یکی از مصادیق تقوا و نیکوکاری در روابط خانوادگی است.

۳-۷. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که این سوره یکی از جامع‌ترین منابع حقوقی اسلام است که به‌شیوه‌ای متوازن، حقوق و تکالیف زنان را در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی مطرح کرده است. رویکرد علامه طباطبایی در این تفسیر با تأکید بر عدالت، کرامت انسانی و رعایت تعهدات اخلاقی و شرعی نشان‌دهنده دیدگاه متری و انسان‌محور قرآن در تنظیم روابط اجتماعی است. علامه طباطبایی در بحث حق مهریه تأکید می‌کند که مهریه، حق مالی مستقل برای زنان است که در قبال ازدواج به آنها تعلق می‌گیرد. این حق نشان‌دهنده جایگاه ارزشمند زنان در نظام خانواده و تضمینی برای امنیت مالی آنهاست. همچنین، حق نفقه یکی از وظایف مردان در قبال همسران بوده که برپایه عدالت و حمایت مالی قرار گرفته است. این حق نه تنها محدود به تأمین ضروریات زندگی است، بلکه نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری و قوامیت مردان در خانواده است. حق حسن معاشرت از دیگر حقوق زنان است که قرآن مردان را به رعایت آن توصیه می‌کند. علامه طباطبایی معاشرت به معروف را شامل احترام، محبت و رعایت عدالت در رفتار با زنان می‌داند. این حق، ابزاری برای تقویت روابط خانوادگی و حفظ کرامت انسانی زنان است. در مورد حق استقلال مالی نیز علامه به آیه «للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن» استناد کرده و استقلال مالی زنان در تصرف دارایی‌ها و کسب درآمد را حقی قانونی و شرعی برای آنها معرفی می‌کند.

حق ارث، یکی از حقوق مالی زنان است که در سوره نساء با تفصیل بیان شده است. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که سهم ارث زنان با توجه به مسئولیت‌های مالی متفاوت آنها در خانواده تعیین شده و این سهم نه نشانه تبعیض، بلکه بخشی از نظام حقوقی عادلانه اسلام است. حق بیتوته، بخشی از عدالت در روابط زناشویی و از دیگر حقوق زنان است که قرآن کریم مردان را به رعایت آن توصیه کرده است. علامه بیان می‌کند که رعایت این حق به معنای حضور عادلانه مرد در کنار همسران است که نقش مهمی در حفظ تعادل روانی و عاطفی خانواده دارد. بررسی حقوق زنان در سوره نساء با تکیه بر تفسیر المیزان نشان می‌دهد که نظام حقوقی اسلام

با نگاه جامع و عادلانه، جایگاه زنان را در خانواده و جامعه به رسمیت شناخته و حقوق آنها را به گونه ای تنظیم کرده است که هم کرامت انسانی آنها حفظ و هم بنیان خانواده تقویت شود. رعایت این حقوق، ضامن استحکام خانواده و سلامت اجتماعی و نشان دهنده اهمیت زنان در نظام اسلامی است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۳)، مترجم: انصاریان، حسین، تهران: سازمان دار القرآن کریم.
۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر.
۲. جابری عربلو، محسن (۱۳۶۲)، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷)، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات کلمات قرآن، لبنان: دار الشامیه.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات انتشار.
۹. موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۲)، ماهیت حق، تهران: مؤسسه تنظیم.